

چیم وه خی، حره او سر، ایمره عزادار تنن

یا حسئی (ع) قومم فدا هفتاد و دو یار تنن

خرره

و عزاداری های مردم لر در عصر جهانی شدن



کاری از شورای نویسندگان نشریه اینترنتی لور

در این مجموعه می خوانید:

ابراهیم خدایی؛ مخالفت و موافقت با محلی گرایی؛ از خرره تا چوپازی و زبان لری

فرامرز درویشی؛ چرا روز عاشورای لرها با گل عجین شده است؟

مهدی ویسکرمی؛ «خرره» بخشی از هویت قومی و دینی مردم لر

مسعود سیفی؛ لزوم تجدید نظر در اجرای مراسم گل مالی برای عزاداری امام حسین (ع)

کریم خادمی؛ جلوگیری از تخریب سالانه هزار متر مکعب چوب جنگلی با تغییر یک باور

محمد مومنی موگویی؛ گل مالی قابلیت ثبت جهانی به عنوان یک سنت مذهبی قومی را دارد

و...

مخالفت و موافقت با بومی گرایی؛ از خَرره تا چوبازی و زبان لری

:: ابراهیم خدایی / سردبیر نشریه اینترنتی لور

گرچه تحلیل من از این رفتار دوستم اینست که وی در این مراسم و ایام بیشتر در پی مرور خاطرات بیش از سه دهه مشارکتش می باشد چرا که در همین مراسم هاست که برخی "هم محله ای های قدیم خرم آبادی" را می تواند دوباره یکجا ببیند.



محلی گرایی و محلی ستیزی: به نظر من موافقت یا مخالفت با برگزاری، معرفی، تبلیغ و گسترش مراسم گلمالی می تواند با پدیده های دیگری همچون موافقت و مخالفت با مراسم چوبازی (رقص یا بازی با چوبدستی)، آموزش زبان محلی به کودکان و... مقایسه شود، البته نمی توان گفت لزوما

کسی که با شدت 12 ریشتر مخالف گلمالی است با همین شدت با چوبازی هم مخالف است.

در ادامه به مرور فهرست وار جبهه بندی های ممکن و موجود در برابر این آیین های بومی، محلی و سنتی را در دو گروه کلی موافقان و مخالفان می پردازم.

مخالفان

الف) نوگرایان (مدرنیست ها)، از قوی ترین و کامل ترین تحلیل هایی که درباره مدرنیسم شده است می توان به تحلیل آنتونی گیدنز اشاره کرد که دامنه هر تغییر اجتماعی را شامل سه بعد اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک می داند، مدرنیسم در بعد اقتصادی شامل گسترش صنعتی شدن و سرمایه داری و پیشرفت تکنولوژی در بعد سیاسی شامل تشکیل دولت ملت ها و در بعد ایدئولوژیک و فرهنگی شامل علم گرایی و گسترش عقلانیت ابزاری و صوری می شود، به نظر من همین بعد سوم (که به طور کلاسیک می توان آن را در اندیشه های ماکس وبر پیگیری کرد) بیش از هر چیز منجر به این می شود بتوان علاقمندان و مشتاقان مدرنیسم را پیشتاز انتقاد و زیر سوال بردن سنت های محلی دانست.

از دید ایشان گسترش تکنولوژی، تقویت دولت-ملت و پیشرفت علم و عقلانیت راه حل مشکلات ماست و بنابراین هرگونه نماد و نشانه ای که احتمال مخالفت با این جریان را داشته باشد محکوم به انتقاد و شایسته زدودن است. در واقع همین گروه نوگرایان است که محوریت اصلی جبهه مخالفان را تشکیل داده است، گروه هایی دیگر مخالف نیز اغلب مواضع خود را مدیون مدرنیسم یا کاربرد اصول آن (عقلانیت ابزاری و صوری) است.

در بند جیم خواهیم دید چگونه "جهانی شدن" یکی از این سه رکن مدرنیسم که همان دولت-ملت است را با رکن دیگر (عقلانیت) دچار چالش کرده است.

ب) بنیادگرایان مذهبی: شاید بتوان نمونه ایرانی و ملموس تر این اندیشه را چنین تعریف کرد که کسانی با داشتن ایمان راسخ مذهبی قصد کاربرد اصول

در این نوشتار مروری خواهیم داشت بر مهمترین دیدگاه هایی که در سال های اخیر بر چالش هایی که درباره آیین های بومی مناطق لرنشین به وجود آمده حاکم بوده است، از اعلام ممنوعیت سنت چوبازی در عروسی های کهگیلویه و بویراحمد، تا انتقادات و در مقابل ستایش هایی که از آیین فراگیر گلمالی در عاشورای خرم آباد صورت گرفته است.

نگارنده مدعی نیست بی طرفی را در بیان اجمالی دیدگاه های گوناگون رعایت کرده و یک سرمقاله جامع و فراگیر نوشته است، زیرا خودم و اغلب همکارانم در نشریه اینترنتی لور را صاحب موضع (نوگرایان لرگرا) می دانم، اما تلاشم را برای بیان بی طرفانه تر به کار گرفته ام تا این نوشتار در ویژه نامه "آیین خَرره" امسال تلاشی باشد برای بایگانی کردن مختصری از آنچه در سال های اخیر در نشریه اینترنتی لور و محافل دیگر فکری و رسانه ای مردم لر گذشته است.

مراسم گلمالی (در مینجایی خَرره، در بختیاری حَره و در لکی حَره) طیف متنوعی از آیین ها را شامل می شود که شاید بتوان آن ها را به دو نوع "آیین خَرره عاشورای خرم آباد" و "آیین لری خَرره" دسته بندی کرد، که در هر صورت با مراجعه به اقشار مختلف مردم، دانشجویان، روشنفکران، زنان، جوانان، فعالان فرهنگی و اجتماعی و... انواع بسیار گوناگونی از موضع گیری نسبت بدان ها صورت می گیرد.

آیین لری گلمالی: این آیین در اغلب مناطق لرنشین در مراسمات عزای خانوادگی و نیز ماه محرم برگزار می شود، در این آیین وابستگان نزدیک تازه درگذشته با مالیدن گل بر شانه های خویش (و گاهی بر فرق سر) از مصیبت وارد شده ابراز اندوه و داغدیدگی می کنند، این بخش از عزاداری مردم لر، همچون بخش های بسیار دیگر امروزه کم رنگ تر شده ولی در عوض برگزاری آن در روز عاشورا گسترش یافته است، در روز عاشورا علاوه بر شانه ها و فرق سر برخی نقوش مذهبی (به ویژه نقش پنجه) در پشت پیراهن و یا روی سینه و... نیز افزوده می شد. اصطلاح «خَرره د سر» [و شاید معادل آن "خاک بر سر" در فارسی] احتمالا به همین آیین اشاره دارد.

آیین گلمالی عاشورای خرم آباد: به نظر می رسد این آیین منحصر به شهر خرم آباد باشد، هرچند در سال های اخیر به صورت پراکنده در شهرهای دیگر هم ممکن است به چشم بخورد. این آیین در درجه اول منحصر به روز عاشوراست. در این آیین نه فقط گل به تمام بدن از فرق سر تا نوک پا مالیده می شود بلکه در برخی هیأت مذهبی استخری از گل آماده می شود و داوطلبان در آن غوطه می خورند تا تمام بدنشان گل آلود شود.

آنچه در این نوشتار تحت عنوان مخالفت یا موافقت گرایش های مختلف نام می گیرد مدعی مرزبندی قاطع و شفاف نیست، درجه موافقت ها و مخالفت ها کاملا ناپایدار و فرد به فرد متفاوت است، مثلا کسی را می شناسم که از نظر فکری مندرج در این مطلب ذیل گروه "ملی گرایان" قرار می گیرد و تصور می شود همواره نسبت به آیین ها و باورهای اسلامی مخالف یا بی تفاوت باشد (چه بسا بتوانم او را زرتشتی بنامم!) اما استثنا در مورد عزاداری ماه محرم و مخصوصا عاشورای خرم آباد برخلاف قاطبه موضع گیری های اغلب ضد دینی یا ضد اسلامی اش از فعالان همیشگی یک هیأت خاص در خرم آباد است، بعضا نوحه می گوید و در مراسم گلمالی از سردستانان شمرده می شود،

مفهوم کلی "عزاداری برای امام حسین (ع)" اعتقاد دارند و می گویند شرع شیوه و مناسک مربوط به عزاداری را تعیین نمی کند بلکه آن را واگذار به آداب و سنن مردم نموده است، در یک فرهنگ ممکن است پوشیدن لباس سیاه نشانه عزاداری باشد، اما در فرهنگ دیگری برعکس لباس سفید نشانه عزادار بودن تلقی شود، به همین شکل حداقل اشکال میانه رو گلمالی مورد تایید ایشان است گرچه افراط در این مناسک را ممکن است نپذیرند. بخشی از انگیزه های ایشان نیز که به مواضع ضد غربی شان بر می گردد با ایران گرایان مشترک است.

ج) ایران گرایان: این گروه از گلمالی دفاع می کنند چون آن را یک سنت ایرانی می دانند، نگاه ایشان به ایران با نگاه ملی گرایان تفاوت بسیاری دارد، ایشان ایران را متنوع می بینند و راز "ایران" بودن آن را در همین تنوع می جویند، آنها می گویند اگر مناسک ها و آیین هایی همچون گلمالی، چوبازی و... از بین بروند مشخص نیست چه نوع مراسم ها و رقص های مذهبی و غیر مذهبی و... در جامعه گسترش خواهد یافت، در همین بخش است که ایشان با اسلام گرایان (بند پیشین) همراه و همدل می شوند.

د) نوگرایان لرگرا: نقطه شروع ایشان با نوگرایان مشترک است و اغلب به همان اصول سه گانه که قبلا گفته شد (تکنولوژی، دولت/ملت و عقلانیت) علاقمندند اما در پی به کار گرفتن این اصول در راستای تقویت قوم لر و اعتلای لرستان هستند. علاوه بر این، قرار گرفتن در این گروه منافاتی با اسلام گرایی یا ایران گرایی نیز ندارد. این گروه برعکس سنت گرایان که گلمالی را غیر قابل نقد و غیر قابل تغییر می دانند مایلند خیلی زود الگوهای تازه، هدایت شده و بهینه سازی شده از مراسم های محلی مثل گلمالی، چوبازی و... را در جامعه نهادینه کنند، پیش از آنکه تحت فشار نوگرایان، ملی گرایان و بنیادگرایان مذهبی این مراسم نیز اجبارا به تاریخ و نهاده شود.

این گروه نیز به طور گسترده از عقلانیت ابزاری مورد علاقه مدرنیسم بهره می برند، مثلا گلمالی را ایده خوبی برای جذب توریست می دانند، اما این گروه انتقادهایی هم در زمینه عقلانیت و علم گرایی غربی دارند و تاکید بیش از حد مدرنیسم بر دولت/ملت چندان موافقتی ندارند، به طور خلاصه نمی خواهند الگوی مدرنیسم غربی را بدون جرح و تعدیل و نقد و نظر بپذیرند. در نوشتار دیگری از این تمثیل استفاده کرده ام که اینها نه "کلوای لری" را به خودی خود تنها قوت مناسب برای لرهای روزگار ما می دانند و نه "کیک آمریکایی" را تنها گزینه باقی مانده، بلکه معتقدند می شود با همان مواد اولیه کلوا و کیک یا پیتزا و... به کشف غذاهای مناسب تری با ذائقه و شرایط مردم محلی طبخ کرد.

از یک سوی مدرنیسم و جهانی شدن را فرایندی برگشت ناپذیر می دانند، اما از سوی دیگر در پی رهایی از آینده محتوم و تحمیلی مدرنیسم غربی بر خویش هستند، شاید بدین منوال بتوان این اندیشه را در ذیل "فرانوگرایی" (پست مدرنیسم) نیز معرفی کرد.

پیشگفته مدرنیسم (صنعت، دولت و علم) را دارند اما برعکس آرمان دنیوی مدرنیست اینان ایمان مذهبی خود را دارند و در پی گسترش باورهای مذهبی خود در تمام عالم هستند، اینان معتقدند همه چیز مذهبی است و باید برگرفته از مذهب باشد، در این میان همانقدر که بدعت ها و نوآوری های غرب ممکن است ضد مذهب پنداشته شود، آیین ها و سنت های کهن خودی نیز ممکن است چنین مورد مخالفت قرار بگیرند، در مورد خاص ماه محرم، برخی می کوشند تا می توانند سنت ها و آیین های عزاداری محلی و مردمی را تقلیل دهند و در عوض اصول و آیین هایی که خود آن را مبتنی بر احادیث و روایات مطابق تر با خواست خداوند و مذهب می دانند جایگزین آن کنند.

ج) ملی گرایان و فارس گرایان: این گروه وجه اشتراک بسیار بیشتری با مدرنیسم دارند اما آن را در خدمت آرمان های ملی خود می خواهند. این گروه در طول قرن گذشته که تجلی آن در طول سلطنت رضاشاه پهلوی می توان مشاهده کرد بیشترین مخالفت عملی را با مظاهر محلی گرایی (قوم گرایی) و سنت های بومی و محلی داشته اند، این اندیشه با وجود پارادوکسی که در ذات آن وجود دارد - که البته "جهانی شدن" مردم را از این پارادوکس "آگاه" کرده است - هنوز به پیش می تازد، و در اغلب سطح کره خاکی اندیشه ملی گرایی حکومت می کند، (به تعبیر یکی از اندیشمندان غربی «مروزه دولت/ملت برای حل مشکلات بزرگ و جهانی بسیار کوچک و ضعیف است و برای حل مشکلات کوچک مردم بسیار بزرگ و حجیم»).

ملی گرایان ایرانی گرچه سنت ها و نمادهای دلخواه خود (مثلا زبان فارسی و تخت جمشید) را در حد پرستش می ستایند اما هرگونه دلبستگی غیر فارس ها به زبان ها، سنت ها و نمادهای خود را متهم به تعصب و واپسگرایی می کنند. جهانی شدن با افزایش "آگاهی جهانی" (نک: آثار رولن رابرتسون) این پارادوکس را برملا کرده و امروزه بخش اعظم افکار عمومی می داند که فداستی که ملی گرایان برای نمادهای خاصی در کشور قایل می شوند بی محتوا و برساخته ای کاملا سیاسی و اجتماعی است و با ادعای مدرنیستی عقل گرایی، علم باوری و جهان گرایی چندان سازگاری ندارد. موضع مخالف ملی گرایان در مورد خاص گلمالی نسبت به زبان لری و... خیلی ملایم تر است، معمولا ملی گرایان در برابر گلمالی در کنار مدرنیست ها قرار می گیرند.

موافقان

الف) سنت گرایان: چه بسا از نظر کمی و عددی بیشترین جمعیت موافقان سنتهایی همچون گلمالی و چوبازی را تشکیل می دهند، عمده ترین ارکان این اندیشه داشتن دلبستگی عاطفی به سنت هاست، علاوه بر این نوعی هراس از تجدد و نوزایی در این اندیشه وجود دارد.

ب) اسلام گرایان: این گروه برخلاف بنیادگرایان مذهبی معتقد نیستند مذهب منافاتی با فرهنگ ها و سنت های محلی داشته باشد، به عنوان مثال ایشان به

مقدمه: ظهر عاشورای خرم آباد ظهری در آمیخته به خاک و آتش است. زن و مرد و کودک ، پیر و جوان ، غم شهادت امام حسین (ع) و یارانش را با خاک بر سر مالیدن به سوگواری می نشینند. دیدن سر و روی گل اندود شده در خرم آباد صحنه ای آشنا است. خره / xarra / به معنی گل یا همان ترکیب " آب و خاک به هم آمیخته (2)" است. در لرستان به عمل گل اندود کردن نیز خره می گویند. این آیین دیرپا در پهنه جغرافیایی گسترده ای برگزار می شده است(3). اما امروزه مردم شهر خرم آباد وفادارانه تر از سایر نقاط ایران مراسم خره را برگزار می کنند. در این مختصر به بررسی ویژگی های برگزاری مراسم ، تغییرات فرهنگی در مراسم و نقش عناصر اربعه در آن می پردازیم.

کیفیت اجرای مناسک

این مراسم صرفاً در صبح عاشورا انجام می شود و در سایر عزاداری های مذهبی یا شخصی مصداق ندارد. گل اندود کردن در بین عشایر هنگام فوت فردی از اعضاء طایفه انجام می شد اما از لحاظ گستردگی ، ابعاد و صورت ظاهری با مراسم خره روز عاشورا کاملاً متفاوت بود. در گذشته معمولاً همه اهالی شهر یا روستا برای گردآوری هیزم مراسم خره با یکدیگر همکاری می کردند و حتی اهدای هیزم می توانست نوعی ادای نذر فردی ، قلمداد شود . گردآوری هیزم نیز از اولین روز محرم توسط جوانان صورت می گرفت .

"مردم این دیار در روز تاسوعا با آماده کردن خاک ویژه عزاداری که آن را از کوهستان ها و اطراف شهر به خصوص روستای شین شا (4) " Syasa تهیه کرده و پس از الک کردن به عطر و گلاب آغشته می کنند آن را برای روز عاشورا مهیا می کنند.

از روز هفتم به بعد عده ای برای افروختن آتش در صبح عاشورا به جمع کردن و گردآوری هیزم می پردازند. زیرا اگر در روز عاشورا برف و باران به بارد و یخ بندان هم باشد عزادارانی که نذر دارند حتماً باید در گل بیا فتند، به همین خاطر عده ای دور خانه ها می گردند و با خواندن جملاتی تقاضای هیزم می کنند .مردم نیز با کمال میل به آنان هیزم می دهند".(5)

در حال حاضر گردآوری هیزم با همت دسته های عزاداری و برخی ارگان های دولتی مانند شهرداری انجام می شود. پس از گرد آمدن هیزم ، حوضچه های مخصوص خاک را آماده می کنند . همان طور که اشاره شد تلاش برای گردآوری خاک

پاکیزه و مقدس بسیار حائز اهمیت است. روستای گوشه در خرم آباد به علت وجود بقعه خورشید شاه بُعد قدسی دارد. " به احتمال زیاد و بنا بر آن چه عنوان شده و مشهور است این گنبد مربوط به اتابک شجاع الدین خورشید سرسلسله ی اتابکان لر کوچک است. وی در مدت حکومت خود چنان خوش رفتاری و دادگستری کرد که به سبب عدالت او گورش از مزار متبرک لران است "(6).

جز این از خاک بقاع متبرکه مانند تربت کربلا و مشهد نیز استفاده می گردد. برای گل کردن خاک مردم گلاب های نذری خود را داخل خاک غربال شده می ریزند.

صبح عاشورا عزاداران پس از روشن آتش در حوضچه های گل غلت می خوردند و بعد در مقابل آتش لباس های خود را خشک می کنند. این مراسم در زمستان های سرد نیز انجام می شده است. اما در حال حاضر برخی از عزاداران فقط به گل اندود کردن شانه ها یا بخشی از موها و گوشه هایی از لباس ها و صورت خود اکتفا می کنند.

تغییرات فرهنگی

سنت ها با شتاب تغییر می کنند و انسان ها به عنوان کنش گران اجتماعی ناخواسته این شتاب زدگی را چون قانونی ناگزیر ، تجربه می کنند. علی رغم دیر پایی مراسم خره در لرستان ، باز هم تغییرات اجتماعی بر شکل اجرای آن تاثیر گذاشته است. همان طور که در بالا به طور مختصر اشاره شد شیوه های گردآوری هیزم ، خاک و مالیدن آن بر سر و روی تا حدود زیادی تغییر یافته است اما جالب ترین تغییر در مراسم خره رابطه بین انسان و حیوان است ؛ اسب

در سنت عشایری اسب حیوانی است که نقشی فراتر از باربری بر دوش دارد. اسب یار و همراه ایل در شادی و سوگ است و هم پای تنهایی آن ها در گاه سختی . از این روست که اسب در مراسم عزاداری هرگز فراموش نمی شود . "کتل بستن " اسب در مراسم درگذشتگان - خاصه مردان پهلوان و شخصیت های برجسته - از دیر باز در لرستان انجام می شد. جز این اسب در بین اقوام ساکن لرستان از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است " اسب که نخستین بار در روزگار فرمانروایی کاسی ها در بابل مور استفاده واقع شد، شاید جنبه ای مقدس داشت "(7)

اما با کاهش اهمیت اسب در زندگی شهری ، به نظر می رسد " ماشین " جایگزین آن شده باشد. در مراسم خره نیز این مساله کاملاً بازتابی عینی دارد. صبح

گرفتن " و ... در فرهنگ عمومی ایران نشان از وقوع حادثه ای ناخوشایند دارد . بنا بر این علی رغم حفظ شرایط قدسی نوعی بار معنایی دیگری را نیز با خود به دوش می کشند.

نتیجه گیری

دین چارچوبی است که در آن بستری مساعد برای پرورش ارزش ها، اخلاقیات و هنجارها، وجود دارد. به محض پذیرش دین ، فرد ملزم به رعایت قوانین و قواعد تعیین شده می شود. او برای نشان دادن باور مندی خویش ناگزیر از ادای اعمالی ویژه است که بر او به عنوان یک دین باور ، اشکالی از فشار اجتماعی را وارد می کند. از سوی دیگر فرد دین باور با انجام مناسک خاص، خود را در یک پیوند عمیق با عنصری متعالی تر می بیند. بسیاری از اشیاء، افراد، اعمال، مکان ها و زمان ها در نظر او باری فراتر از آن چه که دارند با خود حمل می کنند. آن چنان که دایره کنش عقلانی نیز گاه در چنین گستره ای ناپیده گرفته می شود.

مراسم خره ، در چنین فضایی دارای بار معنایی عمیقی است و کنش های انسان دین باور در فضای میانه سنت و مدرن شدن را ، تحلیل می کند. آن چه در این مراسم به صورت برجسته محرز است رابطه کهن و اساطیری آیین با سنت های موجود در استان لرستان و فرهنگ های کهن می باشد. این دایره گستره معنایی موجب فشار اجتماعی مضاعف بر کنش گران شده ، دوام و دیرپایی این سنت کهن را در لرستان و خاصه شهر خرم آباد تا کنون تضمین کرده است.

منابع:

- 2- ایزد پناه ، حمید(1381) " فرهنگ لری" ، تهران : اساطیر ، ص 91.
- 3- مراجعه شود به : عارف ، محمد (1385) " ریخت نگاری آیین نمایشی خره از مناظر قوم ، مذهب و هنر " طرح پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد.
- 4- منظور روستای گوشه در جنوب شرقی شهر خرم آباد است که بقعه و زیارتگاه آن به شینه شاه معروف است .
- 5- برگرفته از وبلاگ شهر خرم آباد لرستان
- 6- ایزد پناه در <http://khormoa.persianblog.ir/post/158>
- 7- بهزادی ، رقیه (1383) ، چ دوم ، تهران : طهوری ، ص: 13.
- 8- بویس ، مری (1381) ، زرتشتیان ؛ باورها و آداب دینی آن ها ، مترجم : عسگر بهرامی ، تهران : ققنوس ، 26
- 9- جان پرست در : در آمدی بر انسان شناسی هنر و ادبیات ، مترجم: محمد رضا پور جعفری ، تهران : ثالث ، ص:55.

عاشورا ، پنجره ، شیشه و بدنه ماشین ها هم چون اسب ها گل اندود می گردد. و حتی گاه در روزهای بعد نیز با ظاهری خاک اندود در شهر نمایان می شوند. با توجه به اطلاعات ذکر شده توسط مطلعین بومی در گذشته مردم بعد از ظهر عاشورا استحمام می کردند و حتی برخی از حمامی های شهر به صورت رایگان - نذری- باز بودند. اما درمورد اسب ها شستشو با تاخیر بیشتری انجام می شد.

عناصر اربعه در مراسم خره از دیر باز در بین ایرانیان چهار عنصر مقدس ؛ آب، خاک ، باد و آتش مورد احترام و ستایش بود . هر چند برخی معتقدند مراسم خره در لرستان به دوران حکومت اتابکان لر باز می گردد اما به نظر می رسد مراسم مذکور ریشه در آیین های سنتی رایج در استان لرستان داشته باشد . این مساله در نوع عزاداری های فردی در لرستان و اصطلاحات رایج قابل پی گیری است . دیرینگی باور به چهار عنصر مذکور در ایران غیر قابل انکار است اما حضور این عناصر در مراسم عزاداری شیعی ، بر آمدگی آیین های مذهبی بر اساس باورهای بومی را خاطر نشان می کند. هم چنان که ادیان دیگر نیز مناسک خود را بر پایه داشته ها و باورهای موجود در دین پیشین بنا گذاشته اند.

در سنت خره نیز تقدس خاک ، آب و آتش به بهترین شکل آن نمایان است. آتش هنوز هم در بین زرتشتیان از احترام و جایگاه ویژه ای برخوردار است و تهیه هیزم برای آتش های آئینی طی اجرای یک مناسک مذهبی پیچیده انجام می شود " هندو ایرانیان ، برای آتش نیز نثاری مرکب از سه جزء فراهم می کردند که شامل هیزم خشک پاکیزه ، بوی (از قبیل برگ های خشک گیاهان) و پاره ای از چربی جانوری بود " (8).

آتش مراسم خره در لرستان هرگز با عامل انسانی یا با ریختن آب بر روی آن خاموش نمی شود. ناظران همیشه منتظر می مانند تا هیزم ها خاکستر شوند . در واقع نوعی نگرش قدسی نسبت به آتش مراسم وجود دارد که کارکرد آن را از خشک کردن صرف گل ، بیشتر می کند.

تقدس آب نیز از دیر باز در فرهنگ ایرانی مطرح بوده است . آب پاکیزه در نمادهای دینی با نثارهای گیاهی و حیوانی هم چون شیر حیوانات اهلی و گیاهان خوش بو کننده ، شاخص می شود. علاوه بر کاربرد روانی گلاب در شرایط عزاداری که موجب کاهش احساس غم و اندوه می گردد، در دین اسلام نیز پیوند عمیقی بین گلاب و مراسم مذهبی مشاهده می شود. " مسلمان ها ، سرخ گل را گیاه مقدسی می دانند که از قطره های عرق ریخته از پیشانی پیامبر بر زمین ، به هنگام معراج ، رسته است(9).

ارتباط خاک با زمین به عنوان مادر نیز در این راستا آشکار است. امری که بیش از همه در این ترکیب ها قابل شهود است پیوند آئینی و اعتقادی آن ها با مراسم عزاداری امام حسین (ع) است. " خاک بر سر شدن " ، خاک بر سر شدن " ، گل بر سر

چرا روز عاشورای لرها با گل عجین شده است؟

:: فرامرز درویشی

صبح عاشقان حضرتش مقداری گلاب با آب (در زمستان و پاییز با آب گرم) و خاک‌های غربال شده را مخلوط می‌کردند تا گلی نرم و خوشبو را برای عزاداران هر گوشه از دیارشان آماده کنند در کنار هر حوضچه گل آتشی با توجه به فصل برای گرمی و خشک شدن تن و لباس عزاداران آماده و از مشتاقان با شربت‌های نذری پذیرایی می‌کردند. آری در این روز است که لرها زن و مرد، پیر و جوان، کوچک و بزرگ و چه آنانی که نذر به گل افتادن داشتند و چه آنانی که نذری نداشتند همه و همه در نهایت اخلاص با این کار نهایت عزاداری خود را نشان داده و بر شهادت مولا یشان و یاران با وفایش به سوگ می‌نشینند.

این مردم سرا پا آغشته به گل عاشقانه بر سر و سینه زده اشک غم می‌ریزند و معتقدند که: سینه‌ام آتش جهنم را نبیند چون بر آن دست عزا کوبیده‌ام / چشم من اشک ندامت را نبیند چون بسی بر کربلا بگریسته‌ام (از نگارنده)

کلام آخر....

این نهایت عزاداری یعنی به گل افتادن با توجه به مکاتبه بعضی از دوستان با مراجع و علما نه تنها منع نشده بلکه آنرا هم کاری خلاف عرف و شرع ندانسته‌اند. البته این مطلب قابل توجه آنانی دم از مسائل شرعی و ... می‌زنند: ما در عشق اسیران بلاییم کس و بدانند امروز کسانی هستند که سالیان سال است در قلب اروپا و آمریکا زندگی می‌کنند ولی به هر سختی مرارتی که شده در روز عاشورا خود را به دیارشان می‌رسانند تا در عزای مولایشان به به گل بیفتند.

نگارنده معتقد است که به گل افتادن آحاد مردم در روز عاشورا حامل این پیام است که مردم لر در عزای مولایشان آقا امام حسین آن چنان اندوهناکند که علاوه بر حزن و اندوه درون حتی ظاهرشان نیز عزادار است و برای همیشه به گل افتادن‌ها در عزای امام مظلوم شان به خود می‌بالند و خواهند بالید.

ابیاتی از نوحه معروف شب عاشورا که بیشتر با صدای زنده یاد حاج حبیب در ذهن‌ها مانده حسن ختام کلام می‌شود

امشب را شه دین در حرمش میهمان است

مکن ای صبح طلوع

عصر فردا بدنش زیر سم اسبان است

مکن ای صبح طلوع

پانویس:

- 1- ترم وسیله ای دست ساز برای بردن فوت شده
- 2- سحری: آهنگی حزن انگیز برای خبری غم انگیز
- 3- کتل: اسب یا مادبان سیاه پوش بی سوار
- 4- سرون: نروسری بلندی که زنان لر بر سر می‌بندند

برکسی پوشیده نیست که سالیان سال عزای لرها درمرگ عزیزان‌شان زبان‌زد خاص و عام بوده است تا جایی که عده‌ای سطحی‌نگر گفته‌اند لرها مرده پرستند. لرها در گذشته‌های نه چندان دور پس از مرگ هر عزیزی اورا بر ترم [1] tarm می‌گذاشتند. وبعد از زدن سحری [2]. مردم با خبر شده گروه گروه با کتل [3] kotal برای سوگواری می‌آمدند.

زنان لر سرون [5]. بر کول و گردن می‌انداختند و بر پیشانی گل مالیده وشت کنان (شیون کنان) صورت خراشیده ابراز همدردی می‌کردند و مردان تکه‌ای دوار (سیا چادر) چوخا مانند بر دوش می‌انداختند در حالی به گل آغشته بود به خانه عزیز مرده می‌رفتند عده‌ای از مصیبت دیده‌ها به استقبال آمده و در گردن هم بونگ می‌زدند (یعنی با صدای بلند گریه می‌کردند) از موه / سرموه / سه شومه و غیره بگذریم به این نتیجه می‌رسیم که:

نهایت حزن اندوه و عزاداری مردم لر همان گونه که گفتیم با مالیدن گل و دوار بر شانه انداختن و الخ می‌باشد تاجایی اگر کسی یکی از رسم‌ها را بجا نمی‌آورد می‌گفتند که او «در قیت» (یعنی همدردی خالصانه نکردن) نیست.

پس از شواهد و قرائین اینگونه برمی‌آید همان گونه که اصیل‌ترین و آخرین حد شادی لرها کل زدن بوده است پس اصیل‌ترین و آخرین حد عزا و عزاداری لرها گل مالیدن بر تن و لباس بوده است. نکته قابل گفتن در کشور انگلیس نهایت عزا را اینگونه ابراز می‌کنند به صاحب عزا می‌گویند **dust to dust** یعنی از خاکیم و به خاک برمی‌گردیم و بهتر است بدانیم گل افتادن روز عاشورای لرها هویتی بومی مذهبی است که برای خیلی‌ها ارزشمند است زیرا در این روز است که عکاسان و خبرنگاران داخلی و خارجی برای ثبت این مهم به خرم آباد و لرستان می‌آیند که نشانگر عظمت این مهم است.

اصل کلام گل و عاشورا در لرستان

دم دمه های غروب غم گرفته روز تاسوعا جوانان و پیران هر کوی برزن در لرستان پس از نیم جلسه‌ای غیررسمی راهی می‌شوند به کجا؟

به عشق آقای مظلومشان عده‌ای برای جمع آوردی هیزم خشک برای آتش صبحگاه روز عاشورا عده‌ای برای آوردن خاک پاک و کاملا تمیز به اطراف شهر کنار اراضی کشاورزی و عده ای مامور ساختن حوضچه‌های مخصوص درست کردن گل روز عزای مولا (که امروز بعضی از آنها را از یک مستطیل فلزی به عرض 2 تا 3 متر طول 30 تا 40 سانتی متر ویا مربع 2×2 باز به طول 30 یا 40 درست میکنند یا عده ای دیگر با آجر و گچ با همین ابعاد) در کنار خیابان محل خیمه عزای‌شان می‌شدند.

نکته قابل گفتن در گذشته‌های نه چندان دور روز هفتم محرم که روز تراش عباس نام داشت عده‌ای پس از رفتن به حمام و اصلاح موی سر و صورت لباس‌های تمیز می‌پوشیدند و در کوچه و خیابان راه افتاده با صدایی حزن انگیز می‌گفتند (چویی هیمه در انداز نذر حسین (ع) و عباس (ع)) یعنی چویی خشک را بیرون بینداز و آن را نذر امام حسن و حضرت عباس کن. از همان روز چوب آتش روز عاشورا را جمع می‌کردند.

بعد از مهیا شدن مقدمات آخرهای شب تاسوعا یا خروس خوان روز عاشورا قبل از اذان

«خرره» بخشی از هویت قومی و دینی مردم لر

:: مهدی ویس کرمی / مدیرمسئول نشریه اینترنتی لور

سنت‌های ما در فرایندهای اجتماعی شدن به نوعی مشمول انتخاب طبیعی می‌شوند و چه بخواهیم و چه نخواهیم بخشی از این سنت‌ها که در فضای امروز کارآیی چندانی ندارند رو به زوال خواهند رفت فرایندی که خود نوشتارهای جداگانه و بررسی‌های اهل فن را می‌طلبد. اما بر ماست که سنت‌هایی را باعث تقویت همبستگی قومی و ملی ما می‌شود حفظ کنیم. برآستی چرا وقتی از لباس و موسیقی قومی ما در زمان جنگ، رژه‌های نظامی، راه‌پیمایی‌ها و ... برای افزایش همبستگی ملی استفاده می‌شود، برای تقویت همبستگی قومی‌مان در همایش‌ها، گردهمایی و محفل‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی علمی در مناطق لرنشین خودمان از آن استفاده نکنیم؟

جنبش لری بهترین راه برای حل معضلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را تقویت همبستگی قومی بر پایه همبستگی ملی و اسلامی مردم ایران می‌داند، در این رهگذر ما باید با تقویت حس همبستگی قومی خود به تشکیل احزاب، انجمن‌ها، NGOها و سایر نهادهای مدنی در مناطق لرنشین فراتر از تقسیمات کشوری بپردازیم و با فعالیت‌های مدنی در چهارچوب قوانین ایران اسلامی سهم مردم لرنشین را از سیاست، اقتصاد، فرهنگ و ... مطالبه نماییم.

برآستی اگر ما احزاب قوی سیاسی منطقه‌ای، اگر اتحادیه‌ها و NGOهای مدافع فرهنگ و محیط زیست می‌داشتیم، وضعیت فرهنگ، اقتصاد و محیط زیستمان اینگونه می‌بود؟ ای کاش به جای این همه تأکید بر طایفه، شهر، گویش، ایل و تبار به خاک و منافع سرزمین‌هایمان تکیه می‌کردیم و مطالباتمان را در این زمینه بیان می‌نمودیم.

ای کاش منافع کلی سرزمین‌مان را مبنای تاسیس تشکلهای سیاسی منطقه‌ای قرار می‌دادیم و کمتر سنگ فلان حزب سیاسی مرکز که برای دردهای ما تره هم خرد نمی‌کند، را به سینه می‌زدیم. ای کاش ما به جای تفکرات طایفه‌ای احزاب و تشکلهای قوی سیاسی داشتیم تا از این رهگذر می‌توانستیم نمایندگان باکفایتی روانه مجلس کنیم. ای کاش انجمن‌های فعال طرفدار محیط زیست پی‌گیر وضعیت خطرناک گونه‌های جانوری و گیاهی مردم مناطق لرنشین می‌شدند. ای کاش انجمن‌های ادبی منطقه‌ای داشتیم تا با برگزاری همایشات فرهنگی و ادبی به یاری فرهنگ و ادبیات مردم لر می‌آمدند. ای کاش کمپین‌ها و انجمن‌های تخصصی اقتصادی و اجتماعی داشتیم و ...

اینجاست که لباس لری دیگر پارچه‌ای ناقابل نیست و تبدیل می‌شود به نمادی برای بیان مطالبات فرهنگی و اقتصادی قوم‌مان، در چنین شرایطی خط و زبان لری دیگر واپس‌گرایی نبوده و ابزاری می‌شود برای دفاع از ادبیات و زبان این قوم. اینجاست که «گل مالی» عاشورا را رفتاری غیربهداشتی تبدیل می‌شود به آیینی معنوی خاص مردم لر برای عزاداری و بیان فرهنگ دینی و قومی مردم لر. اینجاست که تفنگ «برنو» نمادی می‌شود از ظلم‌ستیزی تاریخی و میهن‌پرستی لرها. در چنین شرایطی است که چوب بازی، رقص و بازی‌های قومی زبان گویایی فرهنگ و تاریخ ما خواهند بود...

به راستی در دنیای امروز که از آن به دهکده جهانی تعبیر می‌گردد و روز به روز مرزهای مختلف درنوردیده می‌شوند، آداب و رسوم لری مانند آیین «خره عاشورا» و یا آداب خاص سور و سوگ ما لرها چه اهمیتی دارند؟ در دنیایی که مردمش هر روز به استفاده بیشتر از زبان‌های بین‌المللی سوق داده می‌شوند استفاده از کلمات لری و ابداع و کاربرد خط لری چه کارکردی خواهد داشت؟ در فضایی که بیکاری، فقر، اعتیاد و انواع و اقسام مشکلات اقتصادی و اجتماعی بر سرزمین‌های لرنشین سایه افکننده دغدغه‌های امثال خدایی، فرجی، قائدرحمت و ... کدام یک از آلام بی‌شمار مردم لر را تسکین می‌دهد؟ احیاء آداب و رسوم کهن لری و اصرار بر لری حرف زدن کودکان این سرزمین در شرایطی که هر چه بی‌لهجتر فارسی صحبت کنیم منزلت بیشتری خواهیم داشت، چه دلیلی دارد؟ موارد یاد شده همواره از سوی مخاطبان و اطرافیان مطرح می‌شود و مجموعه لور و فعالان قومی لر را به چالش می‌کشند. به راستی ما چه پاسخی برای این سؤالات داریم.

در ادامه سعی می‌شود -در حد توان- دغدغه‌های خود و همکارانم در این نشریه و ارتباط آنها با موضوعات فوق را بررسی کنیم. بخش اعظم این دغدغه‌ها مسائلی از این قبیل‌اند:

1- نگرانی درباره کمرنگ شدن همبستگی قومی و ضعف مواضع

لرها در تحولات منطقه‌ای و ملی؛ موضوعی که باعث شده است ما لرها به چند اقلیت محروم و ضعیف از نظر توان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تبدیل شده و طبیعتاً در توزیع امکانات و اعتبارات نادیده انگاشته شویم به عبارت بهتر یکی از اصلی‌ترین دلایل تضعیف حقوق مردم لر تضعیف در توزیع امکانات زیربنایی و عمرانی این مورد است؛ از دیگر پیامدهای این معضل می‌توان به حاشیه‌ای شدن مناطق لرنشین در استان‌های مختلف، فقر اقتصادی و از بین رفتن مؤلفه‌های فرهنگی و هویتی آنان بر اثر نبود رسانه‌های لازم، اشاره کرد. نابودی محیط زیست مناطق لرنشین، طرح‌های ناعادلانه انتقال آب، سدسازی‌های بی‌رویه و زیر آب بردن این مناطق و آوارگی و انقطاع فرهنگی و قومی لرها که بر اثر مهاجرت و هضم شدن آنان در شهرهای بزرگ را دارد.

2- توهین و تحقیر همیشگی نسبت به قوم لر؛ موضوعی که به

صورت تحقیر در رسانه‌های مرکز نشین، جوک‌سازی‌های هدفمند و ... نمود پیدا کرده و باعث شده است اعتماد به نفس قومی لرها از بین رفته و بخش زیادی از جامعه لرها دچار هویت‌گریزی شوند، که عدم دستیابی به هویت قومی نیز می‌تواند آسیب‌های روانی، اجتماعی و فرهنگی فراوانی برای افراد آن قوم به دنبال داشته باشد.

3- خطر نابودی زبان، فرهنگ لری و از هم پاشیدگی هویت لری؛

معضلی که می‌توان گفت ارتباط مستقیمی با دو مورد پیش گفته دارد و باعث هر چه بیشتر به حاشیه راندن لرها و مشکلات اقتصادی و اجتماعی آنها می‌شود.

ارتباط سنت‌های لری با مشکلات یاد شده

گلمالی فرصت ظهور در تهران را نیافته است

:: روح‌الله مه‌پارسا / روزنامه ایران 1390/9/3

شهر رنگ و روی دیگری به خود گرفته است، نفس عمیقی که بکشید مشامتان از بوی اسپند و بوی غم پر می‌شود. محرم که می‌آید بوی اسپند را هم با خودش می‌آورد. دل‌های همه خدایپرستان مالا مال از عشقی بی‌نهایت می‌شود براساس همین ارادت ایرانی بر آستانه محرم و عاشورا است که آئین‌های مختلفی شکل گرفته است.

نخستین مراسم قبل از محرم در روز 27 ذیحجه در اردبیل تحت عنوان مراسم طشت‌گذاری به یاد حماسه عطش و آب برگزار می‌شود. همگان را به یاد ظهور عاشورا؛ وفاداری حضرت ابوالفضل و تشنگی یاران امام (ع) و ... می‌اندازد. مردم در شهر اردبیل که خاستگاه تشیع و مرکز تبلور و تجلی شور و عشق حسینی و میراث‌دار فرهنگ عاشورایی است، بعد از عید غدیر و از روز بیستم ذیحجه به بعد با برپایی مجالس و دسته‌های عزاداری به صورت رسمی به عزای فرزند حضرت زهرا (س) و علی‌ابن ابیطالب (ع) می‌روند و در دوماه محرم و صفر می‌کوشند که ارادت خالصانه و ناب خود را نثار سید شهیدان کنند.

یکی از مهمترین و ماندگارترین مراسم ویژه ماه محرم مراسم «طشت‌گذاری» است. این آئین در استان اردبیل در 27 ذیحجه به مدت 3 روز در تمام مساجد و حسینیه‌ها برگزار می‌شود که طی آن سوگواران پس از مدیحه‌سرایی و عزاداری برای سرور و سالار شهیدان، طشت‌هایی را به یاد تشنه‌کامی شهیدان کربلا پر از آب کرده و با زیارت کردن این طشت‌ها، آب آن را به عنوان تبرک روی سر و سینه خود می‌ریزند. یکی دیگر از مراسمی که در روز تاسوعا در دسته‌های عزاداری اردبیل برگزار می‌شود، مراسم سنتی «شمع گردانی» است. در این مراسم که از صبح روز تاسوعا تا پاسی از شب ادامه می‌یابد، مردم عزادار اردبیل به صورت گروهی از یک مسجد به مسجد دیگر و از محله‌ای به محله‌ای دیگر رفته و اقدام به روشن کردن شمع می‌کنند. در بخش‌های دیگری از ایران عزیز هم برنامه‌های عزاداری در گذشته و امروز به شکل سنتی برگزار می‌شده و در بزرگداشت واقعه کربلا و عاشورا همچنان جایگاه ویژه‌ای در مطالعات فرهنگ عامه این مرز و بوم دارد.

مردم لرستان با نزدیک شدن ایام محرم با پوشیدن لباس و یا بازوبندهای مشکی، سیاه‌بندی تکیه‌ها و مساجد و نصب پرچم‌های این ایام جهت عزاداری و سوگواری سالار شهیدان و یاران گرامی‌شان آماده می‌شوند. بدون شک عاشورا در ایران بیش از آنکه به شیعی بودن آنان بازگردد به «ایرانی» بودن آنان برمی‌گردد. ایرانی‌هایی که همیشه وجوه معنوی دین را پذیرفته‌اند با عاشورا نیز این چنین برخورد کرده‌اند؛ بدین معنی که عاشورا در ایران از ارزش‌های ویژه‌ای برخوردار است، ویژگی‌هایی متفاوت و متمایز از سایر کشورها و ملت‌های دیگر شیعه.

آئین سوگواری حضرت سیدالشهدا (ع) این مسئله را ثابت می‌کند که فرهنگ اسلامی ایرانی و از یکدیگر جدا نبوده بلکه یکی هستند.

اینجا تهران است، شهری که مقیم تمامی خرده فرهنگ‌های بومی است، شهری که در یک محله آن و به طور همزمان می‌توانید دسته «شاه‌حسین - واحسین» آذری‌های مقیم مرکز و دسته خوزستانی‌ها را یکجا ببینید. تا ببینی واقعاً زیباست حتی برای یک پژوهشگر فرهنگ موقعیتی ویژه می‌تواند باشد. محقق‌هایی که با هدف قراردادن چند تکیه می‌تواند طی چند ساعت به سراسر ایران سر بزند اگرچه طعم واقعی هر غذایی را باید در محله بومی خودش چشید. دسته‌های عزاداری شمالی‌ها و جنوبی‌ها، خراسانی‌ها و آذری‌ها، کردها و لرهای مقیم مرکز بنا به شرایط زندگی در کلانشهر تهران اندکی تغییر چهره داده و برخی از آنها نیز همچون نخل‌گردان و گل‌مالی فرصت ظهور پیدا نکرده‌اند.

شفا یافتن چشم آیت الله بروجردی با خرره عاشورا

:: مفاخر اسلام، حجت الاسلام مرحوم علی دوانی، جلد 12، صفحه 358 الی 360

آیت الله بروجردی (ره) عزاداری خامس آل عبا و سایر ائمه اطهار (علیهم السلام) را هر سال در خانه خودشان برگزار می‌کردند، در بروجرد هم این وضع برقرار بوده است، در تمام ایام مصیبت و سوگواری ائمه (ع) متأثر و منقلب بودند. هنگامی که وعظ و سخنوران دینی موعظه می‌کردند یا مصیبت می‌خواندند به دقت گوش می‌دادند و زود منقلب شده اشک از دیدگان فرو می‌ریختند، در این حالت بدنشان هم به سختی تکان می‌خورد، زمانی که در بروجرد اقامت داشتند، مبتلا به چشم درد سختی می‌گردند، به طوری که اطباء از معالجه چشم ایشان عاجز می‌شوند، در آن موقع ماه محرم فرا میرسد، در بروجرد رسم است که عزاداران در روز عاشورا خرد و کلان گل به سر و روی خود می‌مالند، چون در روز عاشورای آن سال هیئت عزاداران به دین گونه طبق معمول هر سال برای عرض تسلیت به خانه آن فقید سعید، وارد می‌شوند؛ آن مرحوم با تمام علماء و مردم حاضر در مجلس روضه از جا برخاستند تکیه به دیوار



خودشان می‌فرمودند: «آن روز خیلی منقلب بودم، منظره آن عزاداران سخت مرا منقلب کرد، همان طور که جمعیت سینه زن از کنار من عبور می‌کردند دست بردم مقداری گل خشکیده از روی لباس آنها برداشته به قصد استشفای چشم بیمار خود مالیدم، همان روز احساس کردم که درد چشمم تخفیف یافته و کم کم کاملاً خوب شد.»

یکی از نزدیکان ایشان نیز بعد از نقل این داستان که ما مکرر از علمای معتبر شنیده ایم اضافه می‌کرد که من خود شاهد این موضوع بودم و از آن روز تا روزی که آیت الله فقید در قید حیات بودند، دیگر عارضه چشم درد برای ایشان روی نداد و در دید چشم ایشان نقصانی پدید نیامد، اکنون که رشته سخن به این جا کشید بد نیست بدانید که چند سال پیش یکی از جرائد تهران (روزنامه دنیا) نوشته بود: در دنیای پزشکی آیت الله بروجردی اولین پیرمرد هشتادساله ای است که بدون عینک مطالعه میکند، و اظهار تعجب زیاد کرده بود که چطور میشود مردی که شب و روز با کتاب و مطالعه و قلم و نوشتن سر و کار دارد هیچ گونه تغییری در دید چشمش پیدا نشود؟

ما و تمام کسانی که از نزدیک ایشان را می‌دیدیم و از فیض محضرشان بهره‌مند بودیم، نیز با نهایت شگفتی از این لحاظ به ایشان می‌نگریستیم. با این که دو سه ماه گذشته هشتادونه سال از عمر پر افتخارشان می‌گذشت و شبانه روز بیش از ده ساعت وقت ایشان صرف مطالعه میشد و غذای مقوی و کافی هم میل نمی‌فرمودند، و استراحتی نداشتند، و شب و روز کار می‌کردند، معهذاً کتاب و نامه و نوشته‌ها را از فاصله دور گرفته می‌خواندند، و حتی قرآنی که ایشان تلاوت می‌کردند یک نسخه قدیمی بود که در اوائل تغییر خط کوفی به نسخ ریز نوشته شده بود که درست خوانده نمیشد، ولی ایشان به آسانی از روی آن تلاوت می‌کردند، به هر حال آنچه مسلم است دید چشم ایشان تعجب آور بود، گمان نمی‌کنم، جز آن ایمان عمیق که آیت الله فقید به منبع غیب و وسائط فیض حق داشته‌اند، علت دیگری داشته باشد.

لرستانی های مقیم تهران امسال مراسم خوره را برگزار می کنند

سعید معتمدی: هیئت عشاق العباس لرستانی های مقیم تهران با حضور پرشور لرستانی های ساکن تهران برگزار شد. این هیئت در بزرگراه شهید ستاری خ فردوس غربی خ ورزی شمالی ک چهارم شرقی فعال است. مراسم عزاداری با نوحه های لری و با حضور جوانان ونوجوانان و فرهیختگان و..لرستانی برگزار میشود. دربرنامه های روزعاشورای این هیئت نیز برنامه تهیه و آماده سازی حوضچه ی "گل" برای مراسم لری " گل مالی" تدارک دیده شده است. مراسم روز عاشورا به همان سبک وسیاق سنتی برگزار خواهد شد.

گل مالی قابلیت ثبت جهانی به عنوان یک سنت مذهبی قومی را دارد

:: محمد مومنی موگویی/ عضو شورای نویسندگان نشریه لور



آیین گل مالی در استان لرستان بیشتر در شهرستانهای خرم آباد، الشتر، کوهدشت و... برگزار می شود و دارای بار مذهبی و قومی بالایی است زیرا در مذهب تشیع عزاداری برای سالار و سرور شهیدان حضرت امام حسین(ع) به احیا و حفظ ارزشهای مذهبی مذهب تشیع در طول تاریخ کمک شایانی نموده است و باعث رشد و بالندگی شیعه و مذهب او گردیده است.

این مراسم معمولا از روز هفتم محرم که به عباس تراش معروف است شروع می شود در این روز جوانان و اشخاصی که قصد شرکت در این آیین را دارند به اصلاح سر و صورت و آراسته نمودن وضعیت ظاهری خود اقدام می نمایند، از این روز به بعد عده ای از مردم که حاجت یا نیازی دارند اقدام به جمع آوری هیزم می نمایند تا اگر هوا سرد شود عزاداران بتوانند این آیین را برگزار کنند، در جلوی دسته جات مذهبی چل چراغ قرار دارد که هر هیئت آنرا حمل می نماید، و هر عزاداری که حاجتی داشته باشد به نوبت آنرا حمل می نماید.

در روز تاسوعا عزاداران شروع به جمع آوری گل باغچاله یا گل رس می نمایند و آنرا در کنار حوضچه های آجری که در میادین و خیابانهای اصلی ایجاد شده است روی هم انباشته می کنند، سپس در روز عاشورا خاک رس مذکور را با گلاب مخلوط نموده و گل آیین گل مالی را محیا می نمایند.

در پی آن در روز عاشورا نوای چمری که مخصوص عزاداری لره های فیلی است نواخته می شود و عزاداران را دعوت به شرکت در آیین گل مالی می نماید، چمر نوایی سوزناکی که با ساز و دهل نواخته می شود و معمولا در این نوا در عزا و سوگ اشخاص بزرگ و معروف نواخته می شود در نتیجه نواخته شدن چمری خود به نوعی نشان دهنده سوگ و عزای شخص مهم و عزیزی است سوگ سرور و سالار شهیدان حضرت امام حسین (ع) شخصی که شیعه وجود و ادامه حیات خود را مدیون شهادت و از خودگذشتگی او می داند.

سپس عزاداران حاضر شروع به گل مالی خود می نمایند و در کنار آتش می مانند تا از سرما محفوظ بمانند و در ادامه شروع به عزاداری می کنند نکته جالب توجه این است که مردم لرستان مانند در خانه را در این روز عملی خطا گونه و نادرست می دانند که نشان از توجه و عمق آگاهی مذهبی قوم لر است، عزاداران مذکور با زدن بر سر وسینه خود از تکیه و هیاتی به تکیه و هیات دیگری حرکت می کنند تا عمق اندوه و تاسف خود را از شهادت سرور و سالار شهیدان نشان دهند.

نکته جالب توجه این آیین این است که در جاهای دیگر مملکت عزیزمان ایران نیز عزاداران به گل مالی خود می پردازند اما نه به اندازه و ویژگی های آیین گل مالی استان لرستان این تفاوت عمده این آیین مذهبی و قومی قوم لر با سایر مراسم های عزاداری در جای جای ایران است، این مراسم و آیین می تواند نشان دهنده هویت فرهنگی و قومی قوم لر بوده و داری قابلیت ثبت جهانی است، زیرا می تواند به احیا و حفظ ارزشهای فرهنگی ایرانی و قومی قوم لر کمک شایانی بنماید تا نسلهای آینده این توانایی را داشته باشند که هویت و گذشتگان خود را فراموش نکنند.

لزوم تجدید نظر در اجرای مراسم گل مالی برای عزاداری امام حسین (ع)

:: مسعود سیفی / عضو شورای نویسندگان نشریه لور

با توجه به هجمه سنگین تحقیرها و اهانت ها علیه قوم لر به نظر می رسد باید در چگونگی اجرای این مراسم تجدید نظری صورت پذیرد. در حله اول همه مردم باید بدانند عزاداری برای امام حسین (ع) به خودی خود هیچ ارزشی ندارد و چه بسا ایجاد نفاق کند. آنچه تمام اولیای الهی برای آن تلاش کرده اند چیزی است که امام حسین (ع) برای آن شهید شد و مراسمات ما باید بیشتر به آنها نظر داشته باشد تا به ظاهر مساله. گل در ادبیات مردم لر همان بار معنایی دارد که خاک در فارسی دارد.

فارس ها می گویند خاک به سرت و ما می گوئیم حرّیت به سر (گل به سرت) و موارد بسیاری که نیاز به گفتن نیست. خاک و گل هر دو نماد پستی و حقارت اند و نمی توان آنرا با مثلا رنگهایی که تماشایان به صورت و لباس می مانند مقایسه کرد. قطعاً اگر طرفداران یک تیم هم به جای رنگ گل به سر و صورت خود بمالند انگشت نما می شوند.



شاید بهترین شیوه برای اجرای این مراسم این باشد که فقط اندکی گل بر روی شانه ها مالیده شود که نه ظاهر افراد را به کلی خراب کند و نه باعث آلودگی محیط شود. در مناطق ما معمولاً به این شکل برگزار می شود. معمولاً افرادی که نذر دارند گل تمیز را آماده می کنند و بعضاً با خاک کربلا هم مخلوط می کنند. شانه گروه های زنجیر زنی و سینه زنی که عبور می کنند توسط فرد نذر کننده گل مالی می شوند و کمتر کسی است که سر و صورت را با گل اغشته کند.

و در آخر اینکه آنچه در پس همه این عزاداری ها وجود دارد پاسداشت اندیشه و عمل شخصی است به نام امام حسین (ع) و تجدید پیمانی با او. اگر این مراسم باعث شود نماز در وقت خود ادا نشود، اگر این مراسم باعث شود حق کسی پایمال شود، اگر این مراسم ما را به ادامه راه امام حسین (ع) ترغیب نکند، اگر این مراسم صحنه چشم و هم چشمی و رقابت شود و اگر این مراسم ما را در امر به معروف و نهی از منکر مصمم نسازد هرگز به فلسفه خودش نزدیک نشده و فرقی با مراسم عروسی ندارد که عده ای شاد و خندان گرد هم می آیند و بدون اینکه در آینده شان تاثیری رفته باشد از مراسم برمی گردند. مراسم عزاداری برای سید شهدا باید حداقل اثری که داشته باشد به اندازه عزاداری برای یک فامیل نزدیک باشد. بحث را با سخنی از امام علی (ع) به پایان می رسانیم: امام علی (ع) در وصیت نامه ای خطاب به امام حسن مجتبی (ع) فرمودند: جبران آنچه به نگفتن به دست نیآورده ای آسانتر بود تا تدارک آنچه به گفتن از دست داده ای.

در باب چرایی عزاداری سخن بسیار است. اصولاً در ادیان مختلف ظواهر و کالدهای مختلفی وجود دارد و هر کالبدی موظف است از بطنی محافظت کند چرا که گاه در برهه هایی از زمان مردم قادر به درک بطن موضوعی نیستند ولی چون ظواهر به نسلهای بعدی به ارث میرسند می توان امیدوار بود که آیندگان بتوانند به عمق و باطن پی ببرند.

عزاداری در میان مردم لر معمولاً برای بیان همدردی و همدلی و همچنین استوار کردن پیوندها به کار می رود. در کتاب منم تیمور جهانگشا و جریان کشته شدن اتابک لر به دست تیمور نیز به گریه و زاری مردم برای رهبرشان اشاره شده است که نشان از دیرینگی این رسم در میان مردم لر دارد. عزاداری های معمولی در مناطق لر نشین پرس یا چمر نامیده می شوند و معمولاً جز لاینفک آنها مویه خوانی است.

زنان میخوانند: **هر وخت مؤینم بالاکت ژه دویر خم و پزاره کلپ م- چو ژه ویر** (هر وقت قد و بالای تو را از دور می بینم غم و اندوهم از یاد می رود). معمولاً در گذشته این مراسمات با ساز نیز همراه بوده که ساز چمری گفته می شود.

جایگاه گل مالی در مراسمات عزاداری برای عزیزان چگونه بوده است؟

گل مالی در همه مراسمات عزاداری به کار نمی رود بلکه بیشتر برای مرگ جوانان و مخصوصاً توسط زنان به کار می رود. چند سال پیش در روستای خودمان با چنین مساله ای روبرو شدم. پیرمردی پسر جوانش را از دست داده بود. از روستاهای مختلف از جمله کنی شیرین (هندمینی و چشمه شیرین هم گفته می شود) هم کسانی در مراسم خاکسپاری حاضر بودند. چیزی که باعث شد این واقعه برای من به یک خاطره تبدیل شود لهجه مردم هندمینی بود که همان لهجه لری شوهانی است و شاید نزدیکترین لهجه لری به لکی باشد.

پیرمردی که فرزندش را از دست داده بود به قول خودمان چنو لوکسی (از خود بی خود شده بود) که گویی در جهانی دیگر بود. انبوهی از گل در آنجا آماده شده بود. مهمانانی که از هندمینی آمده بودند و اغلب از دوستان ایشان بودند زیر بغلش را گرفته بودند که خودش را با شیون و زاری از بین نبرد. یک آن پیرمرد انبوه گل را دید و گفت این گل را برای چه آماده کرده اید؟ هندمینی ها در جوابش گفتند: **به ور به سه که خوت حشنگ بهونی ئیش** (این گل برای این است که خودت را به طور کامل در آن بیالایی/یا برای آنکه خودت را سرتاپا غرق گل کنی) و پیرمرد درنگ نکرد و شروع به مالیدن گل به سر و صورت خود کرد.

لزوم تجدید نظر در اجرای مراسم گل مالی

به عقیده من عزاداری چه برای امام حسین (ع) و چه برای از دست رفتن عزیزان امری لازم است ولی بحث در کم و کیف آن است. آیا هر نوع عزاداری برای امام حسین (ع) جایز است؟ آیا آسیب زدن به خود یا اموال خود یا اموال بیت المال و جامعه هم قابل قبول است؟ آیا اگر عزاداری برای امام حسین (ع) به هر شکلی باعث بی آبرویی باشد می توان انجام داد؟ طبیعی است که هیچ کدام از این موارد جواب مثبت نخواهند داشت.

در روایات آمده است که امام حسین (ع) در زیر لباسهای جنگی خود لباسی کهنه پوشیده بود که حتی اگر لباسهای رزم ایشان دزدیده شدند یا به غنیمت رفتند باز بدن مبارکشان دیده نشود. این خود نشان می دهد که توجه حضرت به حیا و آبرو تا چه حد بوده.

جلو گیری از تخریب سالبانه هزار متر مکعب چوب جنگلی با تغییر یک باور

:: کریم خادمی / عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی لرستان khademi48@yahoo.com

گرم نمودن هیئت‌های عزاداری می‌بایست بیش از هزار متر مکعب چوب سوزانده شود. و می‌بایست علاوه بر تحمل مصیبت بزرگ واقعه عاشورا بر درختانی که در این روز نیز می‌میرند باید گریست.

عاشورا واقعی تاریخی و مذهبی است که منشاء بسیاری از ارزشهای والای انسانی است که متأسفانه چهره زیبای این روز را در برخی مناطق استان با برگزاری مراسمی همچون به گل افتادن دچار وهن نموده اند. هوای شهرهای استان لرستان در صبح روز عاشورا آکنده از دود ناشی از قربانی شدن تنه بیش از هزار متر مکعب درختانی است که صدها سال است خاک این مرز و بوم را حفظ نموده اند.

حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان جنگل‌ها و مراتع در کسب تکلیف از مراجع عظام پیرامون مراسم روز عاشورا پرسشی به شرح ذیل مطرح نمودند: همانطوری که استحضار دارید در روند تاریخی قیام عاشورا تحریقاتی صورت گرفته است که متأسفانه هم اکنون به عنوان باور دینی در مناطق خاص (استان لرستان) به کار گرفته می‌شود، من جمله به گل افتادن مردم می‌باشد و بعد از پایان مراسم جهت گرم نمودن و خشک کردن لباسها در صدها نقطه شهر آتش بسیار بزرگی از هیزم درختان جنگلی تهیه می‌شود که علاوه بر تخریب منابع ملی (جنگل‌ها) باعث تخریب آسفالت و ایجاد آلودگی هوا و مسایل زیست محیطی می‌شود و در مجموع بیش از هزار متر مکعب چوب جنگلی در این روز سوزانده میشود. با فرضیه مذکور آیا آتش زدن و سوزاندن درختان جنگلی که ایجاد خلل در محیط زیست و منابع طبیعی می‌کند برای این امر جایز است؟

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی می‌فرماید: باید از کارهای که موجب وهن مذهب و یا ضرر و زیان بر افراد و محیط می‌شود پرهیز کرد و لازم است برادران عزیز عزادار، سنت در گل افتادن را در این عصر و زمان کنار بگذارند تا روح شهدای کربلا از آنها راضی تر باشد.

آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی در مورد عزاداری می‌فرماید: اگر فی حد نفسه غیر مشروع باشد یا موهن شمرده یا موجب ضرر معتدبه باشد اشکال دارد. آیت‌الله العظمی نوری همدانی در این زمینه می‌فرماید: اگر بر خلاف مقررات حکومت اسلامی باشد جایز نیست.

دود ناشی از سوختن بیش از هزار مترمکعب چوب فضای شهرها را به شدت آلوده می‌نماید در این راستا آیت‌الله العظمی نوری همدانی می‌فرماید: محیط زیست مال همه انسانهاست و متعلق حق عموم است و آلوده ساختن و تخریب آن به هر نحوی که باشد تجاوز به حق عموم است و حرام است.

در این میان می‌توان به خطبه‌های خطیب نماز جمعه خرم‌آباد در مورخه 1388.10.4 اشاره نمود، که از مردم خواستند از گل افتادن خودداری نمایند. و یا حتی

المقدور از سایر وسایل گرمایی دیگر استفاده نمایند. و از قطع درختان پرهیز نمایند. بنا بر این با توجه به نظر مراجع محترم تقلید، کارشناسان و متولیان منابع طبیعی کشور و تشکل‌های غیر دولتی پیشنهاد میشود همه با هم مراسم روز عاشورا را مشابه سایر نقاط کشور با عظمت تر از قبل بدون آسیب رساندن به جنگل، محیط زیست و فضای شهری و همچنین خشنودی پیامبر اکرم که شکستن شاخه‌ای از درخت را مانند شکستن بال فرشتگان می‌دانند برگزار می‌کنیم.

حیات بشر به حیات جنگل و گیاهان وابسته است به خطر افتادن حیات جنگلها و بالطبع حیات دیگر موجودات زنده از جمله انسانها تحت تاثیر عوامل متعددی صورت می‌گیرد. برخی از این عوامل کلی و تا حدودی خارج از توان بشری است مانند سیل، زلزله، طوفان، خشکسالی، طغیان آفات و بیماریها، تعدادی از این عوامل بر اساس نیازهای ضروری انسان و جنگل‌نشینان صورت می‌گیرد که با مدیریت جایگزینی مصرف می‌توان آنها را تغییر داد. مانند استفاده از هیزم در تولید زغال، گرمایش، پخت نان و چرای بیش از حد دام، برخی دیگر از این عوامل تخریب در اثر نیاز ضروری و طبیعی بلکه در اثر باورهای غلط فرهنگی است که می‌توان با فعالیت‌های فرهنگی و تغییر نگرش مذهبی جلوی این عوامل تخریب را گرفت. از جمله این موارد می‌توان به قطع درختان در روز عاشورا اشاره نمود.



جنگل‌های زاگرس نقش مهمی در حفظ آب و خاک، جلوگیری از فرسایش، تامین علوفه جهت تغذیه دامها، تامین مواد پروتئینی و در نهایت امنیت غذایی جامعه دارند. علاوه بر این جنگلها نقش مهمی در پالایش هوا بعهده دارند. برآوردها نشان می‌دهد هر هکتار جنگل بیش از 70 تن گرد و غبار را جذب می‌نماید و علاوه بر کاهش آلودگی بیش از 2/5 تن اکسیژن در سال تولید می‌نماید. در این نوشتار بطور مختصر به یکی از دلایل تخریب قابل پیشگیری اشاره می‌شود.

متأسفانه از عوامل مهم تخریب جنگل‌ها که هر ساله تکرار می‌شود تحریف در برگزاری مراسم روز عاشورا است. در روز عاشورا بدلیل باورهای غلط دینی، مردم تعدادی از شهرها و روستاهای استان به گل می‌افتند که متأسفانه جهت خشک شدن و

هر علم و مباحثی در دایره ای قرار می‌گیرد و در دایره هر مبحث، موضوعات اصلی در میان دایره قرار می‌گیرد و پرداختن به مسائل حاشیه‌ی در واقع پرداختن به مواردی است که در پیرامون این دایره جا می‌گیرد. هر علم و مباحثی، در پیرامونش مرزهایی مشترک با علوم و مباحث دیگر دارد. وجود همین مرزهای مشترک بین علوم بود که انیشتن را بر آن داشت تا یک فرمول کلی برای همه علوم خالص پیدا کند.

به هر حال، مرزهایی بین علوم و مباحث وجود دارند این مرزها حدود ما را برای تحقیق و بررسی مشخص میکنند و توجه درست به آن، ما را از بیراهه رفتن باز می‌دارد. پس مشخص شد که دایره‌ی هر مبحث فصل مشترکی با سایر مباحث دارد.

مثلا دایره‌ی لرنشاسی دارای مباحثی مانند مفرغ‌های لرستان، شیرهای سنگی، جمعه‌ی آخر سال لری، چهارده به در نوروز فیلی‌ها، ابو لولو نهاوندی، یارسان شاخه‌ای از شیعه (؟) و گلمالی فیلی و... می‌باشد. دایره‌ی شناخت سنت‌های ایرانی، دارای مباحثی مانند تقدیم مردگان به لاشخورها در زرتشتی‌ها، شخصیت عمو نوروز، شب یلدا آذری، چهارده به در نوروز فیلی‌ها، جمعه‌ی آخر سال لری، قالی شویان کاشان، قمه زنی، عید الزهراء فارس‌ها، گلمالی لرها در روز عاشورا و... می‌باشد.

همچنین دایره‌ی شناخت مذهب شیعه دارای مباحث مقدسی مانند نفی برهنگی در تعالیم امام حسین (ع)، پاسداشت اندیشه‌های امام حسین (ع)، پالمال نشدن حق کسی، ادا شدن نماز در وقت خود، و مباحث تاریخی شیعه مثل شخصیت فیروز ابو لولو نهاوندی، مکتب یارسان شاخه‌ای از شیعه (؟)، قالی شوئی بارگاه امام رضا (ع) در مشهد، قمه زنی فارس‌ها در محرم، گلمالی لرها در روز عاشورا... می‌باشد. حال فصل مشترک لری‌پژوهی با شناخت سنت‌های ایرانی مباحثی مانند، چهارده به در نوروز فیلی‌ها، جمعه‌ی آخر سال لری، گلمالی لرها در روز عاشورا و... می‌باشد.

فصل مشترک شناخت سنت های ایرانی با شناخت مذهب شیعه دارای مباحث گوناگونی مانند قالی‌شویان کاشان، قمه زنی فارس‌ها در محرم، گلمالی لرها در روز عاشورا ... می‌باشد. فصل مشترک لری‌پژوهی با شناخت مذهب شیعه دارای مباحث گوناگونی مانند پرداختن به شخصیت فیروز ابو لولو نهاوندی، مکتب یارسان شاخه‌ای از شیعه، گلمالی لرها در روز عاشورا و... می‌باشد. و اما فصل مشترک سه دایره‌ی لری‌پژوهی با شناخت سنت‌های ایرانی با شناخت مذهب شیعه مباحثی مثل گلمالی لرها در روز عاشورا و یا ... می‌باشد.

نشریه‌ی لور نشریه‌ای است که صرفا به قوم لر و یا گاه‌ها به مسئله‌ی قومیت ایرانی - که در کل جامعه‌ی لر را هم در بر می‌گیرد - می‌پردازد. حال این سوال پیش می‌آید که مباحث مقدسی مثل نفی برهنگی در تعالیم امام حسین (ع)، پاسداشت اندیشه‌های امام حسین (ع)، پایمال نشدن حق کسی، ادا شدن نماز در وقت خود، و امثال اینها چه ارتباطی با مبحث قوم شناسی لری دارند؟ این مسائل

شناخت دین شیعه با دایره‌ی علوم دیگری مثل علم اخلاق و یا جامعه شناسی دین و یا روانشناسی عزاداران عاشورا و... فصل مشترک قطوری داشته و قلم به دستان محترم باید مباحث این چنینی را در جایگاه مخصوص به خود - که همانا سایت‌های معتبر اسلام شناسی و یا اخلاق و یا روانشناسی و یا... می‌باشد - باید بگذارند.

متأسفانه بعضی از دوستان لر پژوه ما به این مثل توجهی ندارند که هر نکته مکانی دارد و هر سخن جایی. به عنوان نمونه یکی از دوستان لرگرای ما در مقاله‌اش چنین نوشته: "...اگر این مراسم باعث شود نماز در وقت خود ادا نشود اگر این مراسم باعث شود حق کسی پایمال شود. اگر این مراسم ما را به ادامه راه امام حسین (ع) ترغیب نکند. اگر این مراسم صحنه‌ی چشم و هم‌چشمی و رقابت شود. اگر این مراسم ما را در امر به معروف و نهی از منکر مصمم نسازد هرگز به فلسفه‌ی خودش نزدیک نشده و فرقی با مراسم ..."

این سخنان با آنکه در اوج معصومیت بوده و ارزش معنوی والائی دارند اما در حوزه‌ی لری‌پژوهی قرار نمی‌گیرند در بحث گلمالی ما به فرهنگ مادی و ظاهری این قضیه می‌پردازیم و ماورای آنرا به متخصصان علوم دیگر در سایر سایت‌های مربوطه واگذار می‌کنیم. به عنوان مثال ممکن است در میان جمعیت کثیر عزاداری سالار شهیدان امام حسین (ع) یک شخص وجود داشته باشد که لباس سیاه پوشیده به نشانه‌ی عزا به خودش گل مالیده و در حین سینه زدن با نیت پاک گریه کند و یا برعکس چشم چرانی کند. در این فضا، لباس سیاه، گلمالی، عمل سینه زدن یا زنجیر زدن و... به فرهنگ مادی این پدیده مربوط می‌شود و اما در مقابل، نیت این فرد - چه خوب و چه بد - در غالب علوم دیگر، مورد بررسی قرار می‌گیرد که عموماً از آن به فرهنگ معنوی این پدیده یاد می‌کنند.

بنابراین دوستان باید کاملاً آگاه باشند و این چنین ساده، مسائل را باهم قاطی نکنند اگر دوستان مشتاق‌اند در فرهنگ معنوی عاشورا قلم فرسایی کنند مطالب این چنینی خود را در سایت‌های مخصوص به آن قرار بدهند تا مطالب‌شان مورد فیض صاحبان این دانش قرار بگیرد. اما در بین لر پژوهان که فقط به گلمالی - به صرف یک سنت لری - می‌پردازند بحث و بررسی نیت افراد عزادار عاشورا، بسیار گنگ و مبهم است زیرا اساساً ما تخصصی در این زمینه نداریم که بخواهیم وارد آن مباحث شویم، تخصص ما فقط در حیطه‌ی دایره‌ی لرنشاسی و حداکثر قوم‌شناسی است که این دایره در بسیاری از جاها با سایر علوم دیگر، فصل مشترک پیدا می‌کند اما، ما نباید پا را از این فصل مشترک‌ها، فراتر بنهیم.

این جانب قبلاً بحث حد فاصل بین دین و سنت‌های لری را - در کامنتی که برای مقاله‌ی آقای شرفی گذاشتم - به شکل بسیار خلاصه‌ای عنوان کردم اما گویا موجز نوشتن آن، باعث شده که جمعی از لر پژوهان توجه‌ی لازم به آن مبذول نداشته باشند. پیشتر از دوستانی که به نوعی نوشته‌های ایشان در این نوشتار بنده نقد شده است کمال مودت را دارم. زیرا که معتقدم نقد درست و محترمانه یعنی توجه وافر داشتن به نوشتار دیگری و دوست داشتن او.

"فرامحلی و هنری کردن" آیین‌های مذهبی تنها راه حفظ و احیاء آنها

:: جبار رحمانی/ سایت انسان شناسی و فرهنگ (با تلخیص)

اما وقتی در جشنواره ای این مراسم ها به "نمایش" در می آیند، اول از همه اینکه آنها زمینه فرهنگی و اجتماعی شان را ندارند، دوم اینکه مخاطبان برای "دیدن" آمده اند، نه برای "مشارکت". به همین سبب آنها این مراسم را می بینند، نه اینکه در آن مشارکت کنند. به همین سبب هم در نهایت از این نمایش مراسم مذهبی و فرهنگی، "لذت" می برند. این لذت به عنوان یک امر زیبایی شناختی است نه یک امر مذهبی و فرهنگی. در این گونه جشنواره ها به کرات می توان دید که وقتی افراد یک رسم مذهبی خوششان می آید یا اینکه از یک اجراگر مراسم مذهب می خواهند تشکر کنند، می گویند "خیلی زیبا بود، و خیلی لذت بردیم". هرچند گاهی در میانه این مراسم های مذهبی، به دلیل تعلق خاطر مخاطبان به مذهب می توانند تجربه ای مذهبی هم داشته باشند، اما در عمل و در وجه غالب همه مخاطبان از این رسم های محلی به عنوان رسوم فرهنگی "لذت" می برند.

بر این مبنا این باید گفت که فرآیند جشنواره ای شدن، تبدیل این رسم های فرهنگی و مذهبی، به مقوله هایی هنری و زیباشناختی است. تبدیل این میراث مذهبی به امری زیبایی شناختی این امکان را فراهم می کند که آنها در سطح ملی و به عنوان میراث فرهنگی مطرح شوند، در اینصورت سازمان های مدرنی که متولی حفظ میراث فرهنگی اند، بخشی از انرژی خودشان را معطوف به ثبت، نگهداری و توسعه این سنت ها و آیین ها در شکل مطلوب و عالی آنها می کنند.

این موضع به تداوم بخشی از مهارت های سنتی برگزاری آیین های مذهبی (مانند نواختن کرنا و سایر ابزار موسیقایی عزاداری) به عنوان مهارتی فرهنگی و هنری کمک می کند. به عبارت دیگر از یکسو مخاطبانی را در عرصه فرامحلی برای این آیین ها فراهم می کند، و از سوی دیگر امکان تداوم اشکال برتر این آیین ها را مهیا می کنند و در نهایت قشری از مردم محلی را به عنوان متخصصان بومی این سنت ها و آیین ها تربیت می کند. در نتیجه هم از لحاظ فرم و هم از لحاظ متخصص اجرایی، این آیین ها امکان تداوم پیدا می کنند. علاوه بر اینها، در حوزه محلی نیز این بخش از سنت های مذهبی از نظر نسل جدید و مدرن به عنوان اموری سنتی (در تقابل با مفاهیم مدرن و جدید و مطلوب) بلکه به عنوان اموری هنری و فرهنگی تلقی شده که به حفظ آنها کمک می کند.

به عنوان نتیجه می توان گفت که برخورد فرهنگی و فرامحلی و هنری کردن سنت ها و آیین های مذهبی محلی، تنها راه حل جلوگیری از نابودی سنت های محلی مذهبی در مواجهه با روندهای نوسازی و توسعه و گسترش فرهنگ شهری پایتخت است. از این طریق تلقی نسل جدید و جوان مردم محلی را نسبت به میراث سنتی تغییر داده و بواسطه هنری شدن، این آیین ها برای آنها ارزش و منزلت پیدا می کنند، از سوی دیگر بخشی از انرژی نهادهای فرهنگی مدرن را برای حفظ و تداوم این آیین ها به خدمت می گیرد. اگر این سنتها و آیینی ها حفظ شوند و از لحاظ فرهنگی ارزش آنها برای مردم امروز شناخته شود، مردم محلی می توانند با تعلق خاطر دوگانه یعنی هم به عنوان بخشی از میراث فرهنگی بالارزش و هم به عنوان بخشی از میراث معنوی شان، به تداوم این آیین ها همت بورزند. به عبارت دیگر زیبایی شناختی کردن آیین های مذهبی، امکان بازگشت آنها را به حیات مذهبی نسلی که ممکن است در روند عادی نوسازی و گذار به زندگی مدرن آنها را به فراموشی بسپرنند، فراهم می کنند. یعنی هنری کردن میراث مذهبی، مقدمه ای می تواند باشد برای حفظ و احیای آنها در آینده.

برای فهم سنت های عزاداری نمی توان آن را صرفا به زمینه مذهبی یا فرهنگ معاصر اجتماعات شیعی نسبت داد. آنچه که در این گوناگونی آیین های عزاداری باید مد نظر قرار گیرد، تنوع و گوناگونی سنت های فرهنگی آن جوامع است. ساز کرنا در حوزه فرهنگی گیلان ریشه در تاریخ و فرهنگ دیلمان دارد و کرپ زنی های لرستان نیز ریشه در سنت های فرهنگی محلی دارد. اگر فرهنگ را در تعریفی نشانه شناختی، نظام معنایی بدانیم که از دل تاریخ برآمده و امتداد یافته، فهم هر بخش از این فرهنگ، نیز منوط به درک تاریخ فرهنگی است. در آیین های عزاداری نیز تاریخ پیشا اسلامی اجتماعات شیعی و زمینه فرهنگی معاصر آنها، مهمترین مقدمه برای فهم ریشه های این آیین هاست.

بر مبنای این مطالب، می توان گفت آیین های عزاداری در رابطه با زمینه فرهنگی خاص خودشان شکل گرفته و تداوم یافته اند. آنچه که در شرایط معاصر و مدرن برای این آیین ها رخ داده، قبل از هر چیز تحول و گاه حذف زمینه های فرهنگی آنهاست. نوسازی و تجدید برای جوامع و فرهنگ های سنتی ایران تغییرات بسیاری را به همراه آورد. بخشی از این تغییرات، به حذف برخی سنت ها و آیین های فرهنگی و مذهبی انجامید. بسیاری از خرده آیین های مذهبی محلی عزاداری در این فرآیند حذف شدند. در کنار این تحولات فرهنگی و نوسازی فرهنگی، فرآیند دیگری که به تغییر فرهنگ و مذهب در سطوح محلی کمک کرد، گسترش رسانه های ملی و همراه با آن بسط و گاه تحمیل فرهنگ شهری و مرکزی به سایر مناطق بود. امروزه در آیین های عزاداری، می توان سبک های عزاداری و نوحه خوانی های تهران را در تمام نقاط کشور دید، و رسانه ملی بیش از همه به پخش مراسم های مذهبی مرکز کشور اختصاص دارد.

نتیجه این فرآیندها، حذف برخی زمینه های فرهنگی آیین های عزاداری محلی، و همچنین تضعیف این آیین ها بواسطه حضور آیین های عزاداری رسانه ای مرکز کشور بوده است. در این میان مساله ای که از منظر مطالعات آیینی و فرهنگی می توان مطرح کرد، چگونگی تداوم و بسط این آیین ها در شرایط جدید است، که هم وجه فرهنگی و سنتی آنها تضعیف شده و هم اینکه در رقابت با آیین های تهرانی، قدرت مقابله بسیار کمتری دارند. از سوی دیگر باید دقت کرد که آیین های عزاداری محلی از یکسو بخشی از میراث مذهبی و از سوی دیگر بخشی از میراث فرهنگی هستند. بخاطر این دو وجه حفظ و تداوم آنها ضرورت دارد تا هم میراث فرهنگی و مذهبی حفظ شود و هم اینکه از یکدست شدن فرهنگ ها و سنت های محلی بر طبق الگوی مرکز و پایتخت در حد امکان جلوگیری شود. در این راستا جشنواره آیین های عزاداری اقوام انجام می گیرد. هرچند متولیان این برنامه ها اعتقاد دارند که این کار آنها به معنای ارائه این آیین ها به مثابه آیین است، اما در عمل آنچه که رخ میدهد، اینست که آیین های محلی مذهبی، بصورت میراث فرهنگی و مذهبی "به نمایش" در می آیند.

آیین های مذهبی در زمینه واقعی شان، و موقعیت زمانی و مکانی مناسبی خاصی، هیچوقت "به نمایش" در نمی آیند، بلکه آنها "انجام" می شوند. مردم در مراسم کرپ زنی، سینه زنی، زنجیر زنی، یا در مراسم تعزیه، این رسم را به عنوان رسم عزاداری "انجام" می دهند. آنچه که آنها تجربه می کنند، یک تجربه مذهبی است. حضور آنها هم برای "مشارکت" است، حتی اگر در گوشه ای از مراسم هم ایستاده باشند، این ایستادن هم به نوعی مشارکت آنها در مراسم محسوب می شود، و آنها با رفتارهایی مانند گریه کردن، سینه زدن، اشک ریختن به نوعی در این مراسم سهیم می شوند. در نهایت بواسطه این شرایط، تجربه مذهبی و شغف درونی خاص خودشان را بدست می آورند.



تهیه شده در

شورای نویسندگان نشریه اینترنتی لور

مدیر مسئول: مهدی ویسکرمی

سرمدیر: ابراهیم خدایی

با همکاری شورای نویسندگان

دوازدهم آذرماه هزار و سیصد و نود هجری شمسی